

زندگینامه کامل استیو جابز

کاری از گروه اینترنتی مجموعه زندگی

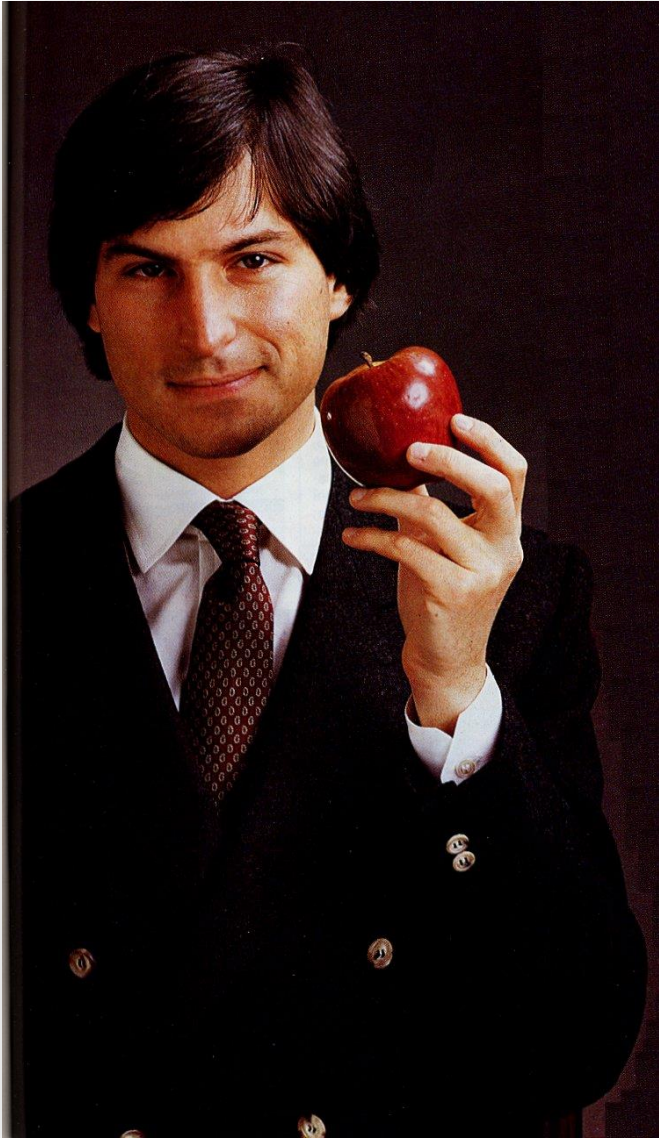


Steven Jobs

زندگینامه کامل استیو جابز

به مناسبت سالروز تاسیس شرکت اپل توسط استیو جابز (۱ آوریل ۱۹۷۶) - کاری از گروه اینترنتی مجموعه زندگی استیو جابز کارآفرین، مخترع، بنیانگذار و مدیر ارشد اجرایی شرکت رایانه‌ای اپل و یکی از چهره‌های پیشرو در صنعت رایانه بود. در ادامه با مجموعه زندگی همراه شوید .

LC PDF | Life Collection Group 2015 | LCBlog.in



استیون پاول جابز زاده ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ در سان فرانسیسکو – درگذشته ۵ اکتبر ۲۰۱۱ در پالو آلتو) کارآفرین، مخترع، بنیانگذار و مدیر ارشد اجرایی شرکت رایانه‌ای اپل و یکی از چهره‌های پیشرو در صنعت رایانه بود. در سال ۱۹۷۶، جابز ۲۱ ساله به همراه دوستش استیو ورنیاک ۲۶ ساله، شرکت اپل را تأسیس کردند. اولین رایانه شخصی‌ای که شرکت اپل به بازار معرفی کرد، اپل I نام داشت. یک سال پس از آن در سال ۱۹۷۷ اپل II نیز راهی بازار شد. در سال ۱۹۸۵ طی یک اختلاف مدیریتی، جابز اپل را ترک و در همان سال شرکت نکست را تأسیس کرد. از مهمترین محصولات شرکت نکست می‌توان به نکست کامپیوتر اشاره کرد که بعدها میزبان اولین مرورگر وب شد. در سال ۱۹۹۶ شرکت اپل، شرکت نکست را به مبلغ ۴۲۹ میلیون دلار خرید. طی این معامله استیو جابز، مجدداً به اپل بازگشت. از اتفاقات مهم پس از این مسئله در اپل می‌توان به معرفی آی‌پاد در سال ۲۰۰۱، پرده‌برداری از آی‌تیونز استور در سال ۲۰۰۳ و معرفی آی‌فون و آی‌پد در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ اشاره کرد.

جابز در سال ۱۹۸۶ یک گروه گرافیکی را از بخش گرافیک کامپیوتر لوکاس فیلم خرید. این شرکت که بعدها توسط خودش پیکسار نامیده شد، توانست فیلم‌های پویانمایی موفق بسازد. در سال ۲۰۰۶ شرکت والت دیزنی، پیکسار را خرید. پس از این معامله جابز به سهام‌دار اصلی والت دیزنی تبدیل شد و به عضویت هیئت مدیره آن درآمد. در اکتبر ۲۰۰۳ سرطان جابز تشخیص داده شد و در اوت ۲۰۱۱، او از سمت مدیرعاملی اپل استعفا داد. تیم کوک، از مدیران ارشد اپل، مدیرعامل شد و جابز به عنوان رئیس هیئت مدیره به فعالیت‌هایش ادامه داد.

استیو جابز در نهایت بر اثر عوارض ناشی از سرطان لوزالمعده، در تاریخ چهارشنبه ۵ اکتبر ۲۰۱۱ در سن ۵۶ سالگی درگذشت.



Steve Jobs 1955-2011

استیو جابز در ۲۴ فوریه سال ۱۹۵۵ در سان‌فرانسیسکو از مادری به نام خوان کارول شیبیل که یک آلمانی-سویسی بود و پدری سوری و مسلمان به نام عبدالفتاح جان جندلی که هردو دانشجو بودند زاده شد. گاهی از جابز به واسطه سوری بودن پدرش به عنوان یک آمریکایی عرب یاد می‌شود. کارول و عبدالفتاح در آن زمان هنوز با هم ازدواج نکرده بودند. هنگامی که استیو به دنیا آمد جندلی و دوستش خوان شیبیل که هر دو ۲۳ ساله بودند نمی‌توانستند فرزندشان را بزرگ کنند. خوان که از یک خانواده مسیحی محافظه‌کار بود، نمی‌توانست خانواده‌اش را متقاعد کند که با یک عرب مسلمان ازدواج کند.

در نهایت استیو توسط پل رینهولد جابز (تولد: ۱۹۲۲، مرگ: ۱۹۹۳) و کلارا هاگوپیان (تولد: ۱۹۲۴، مرگ: ۱۹۸۶) به فرزندی پذیرفته شد. هنگامی که از «پدر و مادر خوانده» او سوال شد، جابز با پافشاری پاسخ داد که «پل و کلارا جابز پدر و مادر من بودند». او بعدها در زندگی نامه خود اظهار داشته که «۱,۰۰۰ درصد آنها پدر و مادر من بودند.» هنگامی که استیو ۵ ساله بود، خانواده جابز از سان‌فرانسیسکو به مانتین ویو در کالیفرنیا نقل مکان کردند. مانتین ویو در دره سیلیکون قرار داشت. استیو فرزند دره بود و روح و انرژی دره سیلیکون بر اعماق وجود استیو تأثیر گذاشت. بعدها، پل و کلارا دختری به نام پتی را به فرزندخواندگی پذیرفتند. پل جابز که یک مکانیک ماهر کارخانه ساخت لیزر بود، مقدمات ابتدایی الکترونیک و طریقه کار با دست‌ها را به پسرش آموزش داد. کلارا جابز یک حسابدار بود و به استیو خواندن را پیش از رفتن به مدرسه آموخت.

جابز در سال ۱۹۹۵ در پاسخ به این سؤال که می‌خواهد چه چیزهایی را به فرزندانش منتقل کند، چنین گفت: «تنها می‌خواهم برای آنها به همان خوبی باشم که پدرم برای من بود و در تمام مدت زندگی‌ام نیز به این مسئله فکر می‌کنم.» پدر و مادر بیولوژیکی جابز، در ژوئن ۱۹۵۷ صاحب فرزند دیگری به نام مونا (مونا سیمپسون) شدند. جابز برای اولین بار مونا را در سن ۲۷ سالگی ملاقات کرد.

در مورد بیوگرافی و داستان زندگی استیو جابز چه می دانید؟ مرد ۵۲ ساله ای که هنوز علاقه دارد جین به پا کند، بلوز یقه اسکی مشکی بر تن کند و با کفش ورزشی در جلسات و کنفرانس های مهم ظاهر شود.

در همان دورانی که روس ها اسپوتنیک یک را راهی مدار کردند و ترانزیستور اختراع شد و به صورت دقیق تر ۲۴ فوریه سال ۱۹۵۵، استیو جابز به دنیا آمد.

پدر او یک مهاجر اهل سوریه به نام «ابوالفتاح جان جندلی» بود که بعدها استاد علوم سیاسی شد. ابوالفتاح در سال ۱۹۵۵ به سان فرانسیسکو رفت و رابطه اش با یک دانشجو به نام «جوآن کارول شیبیل»، منجر به تولد استیو شد.

در آن برهه زمانی بزرگ کردن یک فرزند نامشروع توسط مادرش، چیز معمولی نبود، پس مادرش تصمیم گرفت زوجی پیدا کند تا استیو را به عنوان فرزندخوانده قبول کنند.

ابتدا یک وکیل و همسرش خواستند او را به فرزندی بپذیرند، ولی این زوج منصرف شدند و تصمیم گرفتند یک نوزاد دختر را فرزندخوانده خود کنند. نیمه های شب، مادر استیو تماسی با «پل و کلارا جابز» گرفت و به آنها گفت: «ما یک فرزند ناخواسته داریم، آیا او را می خواهید؟» این زوج بی درنگ قبول کردند.

در حالی که مادر استیو تصور می کرد، زوج پذیرنده نوزاد از دانشگاه فارغ التحصیل شده اند، بعدها دریافت که کلارا از کالج فارغ التحصیل نشده و پل -فرزند یک کشاورز- دبیرستان را تمام نکرده است. پل جابز مکانیک یک شرکت تولید لیزر بود و کلارا جابز یک حسابدار بود.

مادر استیو بعد از فهمیدن این مطلب، تا چند ماه حاضر نشد اوراق قانونی فرزندخواندگی را امضا کند، ولی با این تعهد که خانواده جابز او را به کالج خواهند فرستاد، سرانجام قبول کرد که فرزندخواندگی را به آنها بسپارد. نام «استیو پل» را در واقع نامادری و ناپدری برای این نوزاد آن هنگام نگون بخت انتخاب کردند.

تا به امروز هر وقت صحبتی از پدر و مادر استیو به میان می آید، او سخنی از پدر و مادری واقعی خود نمی کند. جابزها هر دو مدت ها است، فوت شده اند. استیو، یک خواهر از پدر و مادر واقعی اش دارد به نام «مونا سیمسپون» او یک نویسنده است و با ریچارد اپل Richard James Appel که یکی از نویسندگان سریال محبوب سیمپسون ها است، ازدواج کرده است و دو فرزند دارد. استیو و مونا در کودکی با هم ملاقات نکرده بودند، اما حالا رابطه بسیار نزدیکی با هم دارند.

یکی از علایق جابز در دوره نوجوانی شرکت در سخنرانی های شرکت hp بود، در همین جلسات بود که با جوان ۱۸ ساله ای آشنا شد، این شخص کسی نبود جز «استیو ورنیاک»، کسی که بعدها بهترین دوست و شریک و همکارش شد.

استیو، دوره دبیرستان در «کوپرتینو»ی کالیفرنیا به اتمام رساند و سپس همراه دوستش «استیو ورنیاک»، به عنوان کارمندان تابستانی، در شرکت Hewlett-Packard استخدام شد.



در سال ۱۹۷۲، استیو در کالج رید Reed در پورتلند ارگان مشغول به تحصیل شد. کالج رید یکی از بهترین کالج‌های آن زمان و در عین حال کالج گرانی بود، طوری که نامادری و ناپدری استیو برای انجام تعهدشان مجبور شدند، همه پس‌اندازشان را خرج کنند. اما بعد از فقط یک نیم سال، استیو ترک تحصیل کرد، چرا که به عرفان و تصوف شرقی علاقمند شده بود و نمره‌هایش چنگی به دل نمی‌زد. با این همه، او در بعضی از کلاس‌های این کالج مثل کلاس خوشنویسی شرکت می‌کرد، اتفاقاً او ابراز نظر کرده است که اگر در همین کلاس‌های خوشنویسی شرکت نمی‌کرد، سیستم عامل مکینتاش فونت‌های متناسب و زیبای کنونی را نمی‌داشت.

در همین زمان بود که استیو جابز برای گذران زندگی و برای خرید غذا مجبور شد کارهای بدنی بکند، کارهایی مثل برگرداندن شیشه‌های نوشابه تا از این طریق ۵ سنت به دست آورد. تنها دلخوشی جابز در آن زمان این بود که هر یکشنبه ۷ کیلومتر پیاده طی کند تا یک وعده غذای خوب در یک محل مناسب بخورد.

استیو در سال ۱۹۷۴ به کالیفرنیا برگشت و در شرکت آتاری، سازنده ویدئو گیم‌های محبوب آن زمان مشغول به کار شد، هدف او پس‌انداز پول برای تأمین مخارج یک سفری روحانی به هند بود!

در همان زمان با شخصی به نام «جان دراپر» آشنا شد، دراپر راهی برای هک کردن خطوط مخابراتی شرکت مخابراتی AT&T با تولید اصواتی با فرکانس خاص پیدا کرده بود. استیو و دراپر تصمیم گرفتند که وسیله‌ای به نام جعبه آبی blue boxes بسازند که خریدارانش می‌توانستند با استفاده از آن تماس‌های قاچاقی رایگان از راه دور برقرار کنند. آنها چندین ماه قبل از اینکه این وسیله غیرقانونی شود، آن را با قیمتی بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ دلار می‌فروختند.

پس از آن، استیو و دوستش «دانیل کوتل» که بعدها نخستین کارمند شرکت اپل شد به هند مسافرت کردند تا در سفری به هند به دنبال فلسفه زندگی بگردند. استیو بعد از این سفر در شرایطی به آمریکا برگشت که سرش را تراشیده بود و لباس سنتی هندی‌ها را به تن کرده بود.

در همین زمان بود که استیو جابز تجربه استفاده از LSD را پیدا کرد. به گفته خودش یکی از دو یا سه چیز مهمی که در طول عمر تجربه کرده بود! این همان زمانی بود که به گفته استیو مردم دور و برش متوجه حرف‌ها و جنبه‌های معینی از افکارش نمی‌شدند!

بعد از همه این حوادث او کار سابقش را در آتاری از سر گرفت و مسئول ساختن یک مدار الکترونیکی برای بازی Breakout شد.

«نولان بوشنل» مؤسس آتاری می گوید که در آن زمان آتاری برای صرفه جویی، به ازای هر چیپ کمتر به کار رفته در مدارهای الکترونیکی، ۱۰۰ دلار پرداخت می کرد. استیو در آن زمان دانش کمی در مورد مدارهای الکترونیکی داشت، پس با وزنیاک شریک شد و این دو با هم قرار گذاشتند که در صورتی که وزنیاک موفق شود تعداد چیپها را کم کند، دستمزدشان را با هم نصف کنند.

در کمال تعجب وزنیاک موفق شود، چیپها را به تعداد ۵۰ عدد کم کند، آن زمان استیو به وزنیاک گفت که آتاری به جای ۵ هزار دلار به او ۷۰۰ دلار داده است و سهم وزنیاک ۳۵۰ دلار می شود!

استیو وقتی ۲۱ ساله بود، کامپیوتری که وزنیاک برای استفاده شخصی خودش ساخته بود، دید و توانست او را متقاعد کند که شرکتی برای ساخت و بازاریابی کامپیوتر تأسیس کنند.

در اول آوریل سال ۱۹۷۶ شرکت اپل آغاز به کار کرد، نام «اپل» یا سیب خیلی ساده انتخاب شد. آنها نام مناسب دیگری پیدا نکردند و از آنجا که جابز بیشتر گیاهخوار است و به میوه سیب علاقه زیادی دارد و آن را میوه کاملی می‌داند، این نام برای شرکت انتخاب شد. استیو جابز با فروش ون فولکس واگن و وزنیاک با فروختن ماشین حساب hp، هر کدام مبلغ ۵۰۰ دلار برای سرمایه اولیه شرکت جور کردند هدف اولیه آنها در این شرکت این بود که فروش مدارهای الکترونیک بود، اما بعداً استیو و وزنیاک شروع به سر هم کردن کامپیوترهای شخصی و فروش آنها شدند.

اپل I نخستین کامپیوتر شخصی بود که این دو ساختند، وزنیاک قیمت این کامپیوتر را ۶۶۶,۶۶ دلار تعیین کرد، چون علاقه زیادی به عددهای با ارقام تکراری داشت. اما اپل II که این دو سال بعد ساختند موفقیت بسیاری بیشتری برای آنها به ارمغان آورد و اپل را به یک باره مبدل به شرکت شاخص در بازار رایانه‌های شخصی کرد.

در دسامبر ۱۹۸۰، اپل سهامش را به صورت عام عرضه کرد و این شرکت سهامی عمومی شد، چیزی که استیو جابز را میلیونر کرد.

با توسعه تدریجی شرکت اپل، این شرکت احتیاج به یک مدیر کارا داشت به همین خاطر جابز John Sculley را از پیپسی کولا به طمع انداخت به اپل بیاید و به عنوان مدیر اجرایی مشغول به کار شود. او به جان شولی گفت که دوست دارد در باقی عمرش آب شکر بفروشد یا دوست دارد در تحولات آتی دنیا مؤثر باشد؟!

در ۲۲ ژانویه سال ۱۹۸۴، در زمان مسابقه سوپر بول (Super Bowl مسابقه‌ای که هر سال بین قهرمان کنفرانس آمریکایی و ملی فوتبال آمریکایی برگزار می‌شود)، در زمان استراحت کوارتر سوم، یک تبلیغ تلویزیونی جالب برای تبلیغ کامپیوترهای اپل پخش شد که شاید بتوان آن را یکی از جالب‌ترین تبلیغ‌های تلویزیونی تاریخ دانست.

کارگردان این تبلیغ تلویزیونی، «ردیلی اسکات» کارگردان بلندآوازه هالیوود بود، در آن زمان ردیلی اسکات خودش را با ساختن تیغ برنده Blade Runner معروف کرده بود.

در این تبلیغ یک زن ورزشکار که کفش‌های و لباس ورزشی قرمز به تن دارد نشان داده می‌شود که وارد جهان تخیلی که جورج اورول در اثر جاودانه ۱۹۸۴ خلق کرده، می‌شود، به سمت صفحه‌ای که در آن «برادر بزرگ» در حال صحبت است، می‌دود و چکشی به سمت او پرتاب می‌کند. برادر بزرگ در این تبلیغ به صورت تلویحی به شرکت IBM اشاره دارد!!

در ژانویه ۱۹۸۴، اپل، مکینتاش را معرفی خواهد کرد، و شما مشاهده خواهید کرد که ۱۹۸۴ مثل ۱۹۸۴ نخواهد شد.

به دنبال این پیام نوشتاری، لوگوی چند رنگ اپل در یک پس زمینه سیاه‌رنگ به نمایش گذاشته شد.

در ۲۲ ژانویه، در نشست سالانه سهامداران، جابز سیستم عامل مکینتاش را به حضار هیجان‌زده معرفی کرد، این سرآغاز شوهای معروف جابز بود! چنان غوغایی در نشست بلند شد که صحنه را حاضران در آن جلسه، به بودن در مرکز جهنم تشبیه می‌کنند.

مکینتاش به نخستین کامپیوتر موفق از لحاظ تجاری مبدل شد، کامپیوتری که رابط کاربری گرافیکی داشت و البته از Xerox PARC به مقدار زیادی الهام گرفته بود.

جابز با اینکه رهبر کاریزماتیک و موفقی برای اپل بود، ولی کارکنان اپل در آن زمان او را یک مدیر نامنظم و مستبد می دانستند. این موضع در کنار کسادی بازار در اواخر سال ۱۹۸۴ باعث شد که رابطه جابز با «شولی» به هم بخورد و سرانجام در پی یک کشمکش قدرت، شولی جابز را از شغلش در اپل به عنوان رئیس قسمت مکینتاش برکنار کرد.

خود جابز در مورد اخراجش گفت:

«چرا غمگین باشم، من آدم نادرستی را استخدام کردم، او هر چیزی را که من ظرف ۱۰ سال درست کردم و به وسیله من شروع شده، از بین برد. این غم انگیزترین قسمت ماجرا نیست. اگر اپل سمت و سویی بر خلاف آن چیزی که من می خواستم به خود گرفته، من آن را با مسرت ترک می کنم.»

سال ۱۹۸۶، جابز که خود را برکنار شده از شرکتی می‌دید که خود تأسیس کرده بود، همه سهامهایش را در اپل به جز یکی فروخت. او این تک سهام را به صورت نمادین و شاید به خاطر اینکه به عنوان یک سهامدار، اخبار مربوط به سهام شرکت را دریافت کند و حق شرکت در جلسه سهامداران را داشته باشد، نزد خود نگه داشت. جابز سپس شرکت کامپیوتری NeXT را بنا کرد، شرکتی که گرچه هرگز نتوانست به عنوان یک شرکت مطرح، نام خود را بر سر زبان‌ها بیندازد ولی به سبب قدرت تکنیکی‌اش و به خصوص نرم‌افزارهای شیء‌گرایش معروف شد. جابز محصولات ابتکاری و نوی این شرکت را در کنفرانس‌های علمی و آکادمیک معرفی می‌کرد، محصولاتی مثل Mach kernel یا پردازنده‌های دیجیتال سیگنال‌ها یا پورت‌ها اترنت توکار.

در همین شرکت و در همین بازه زمانی بود که او ایده «کامپیوترهای بین شخصی» را در مقابل کامپیوترهای شخصی مطرح کرد، کامپیوترهایی که به کاربرانش امکان ارتباط با هم را می‌دادند، در سال ۱۹۸۸، شرکت نکست کامپیوتر NeXTcube را به بازار فرستاد، یک کامپیوتر مکعبی شکل که هر ضلعش ۳۰ سانتیمتر اندازه داشت و ۶۵۰۰ دلار قیمت داشت.

کامپیوتر NeXTcube از آن جهت مشهور شد و نامش در تاریخ کامپیوتر ماندگار شد که «تیم برنرز لی»، نخستین سرور کامپیوتری جهان را با استفاده از همین کامپیوتر برپا کرد و با همین کامپیوتر بود که برنرز لی نخستین مرورگر جهان را نوشت، شهرت دیگر این کامپیوترها این سایت که از آنها برای نوشتن بازی Doom استفاده شده است!

جابز توانست تا سال ۱۹۹۳، ۵۰ هزار عدد از این کامپیوترها را به فروش برساند، کامپیوترهایی که نمای منیزیمی و ظاهر آنها نشان‌دهنده علایق زیبایی‌شناسانه جابز بودند.

در زمانی که ایمیل فقط به معنی ارسال متن‌های ساده نوشتاری بود، جابز در شرکت نکست، سیستم ایمیل NeXTMail را معرفی کرد، تنها سیستم ایمیلی که در آن زمان امکان ارسال گرافیک و صوت را به همراه ایمیل می‌داد.

در سال‌های اولیه و در میانه دهه ۹۰، اپل به خاطر سوء مدیریت و ناتوانی‌اش در ارتقای سیستم عامل، دچار بحران شد و تا آستانه ورشکستگی پیش رفت. در سال ۱۹۹۶، اپل شرکت نکست را به مبلغ ۴۲۹ میلیون دلار خرید. این موضع سبب شد که جابز به اپل برگردد. به زودی جابز رئیس موقتی اپل شد. او در سال ۱۹۹۸ برای بازگشت شرکت به سوددهی تعدادی از پروژه‌ها را متوقف کرد. در این زمان کارکنان قدیمی اپل از جابز زخم‌خورده و اهمه زیادی داشتند، آنها می‌ترسیدند که بعد از سوار آسانسور شدن و باز کردن در آن، حکم اخراج را روبروی خود ببینند. اقدامات انضباطی جابز گرچه نادر بود، ولی جو آراعی در شرکت ایجاد کرده بود. با خرید نکست به وسیله اپل، سیستم عامل NeXTSTEP این شرکت تکامل پیدا کرد و به سیستم عامل مکینتاش تبدیل شد. تحت راهنمایی جابز و با معرفی محصولات تازه‌ای همچون iMac فروش شرکت به میزان زیادی افزایش یافت. سرانجام در مک ورلد سال ۲۰۰۰، ریاست موقت جابز بر اپل، تبدیل به ریاست دائمی شد، عنوان و مسئولیتی که جابز تا به حال دارد.

نخستین مدل iMac به نام iMac G3 که در سال ۱۹۹۸ عرضه شد

در سال‌های اخیر با ساخت پخش‌کننده موسیقی آی‌پاد، نرم‌افزار آی‌تونز و فروشگاه‌های آی‌تونز، اپل کار خود را گسترش داده و به دنیای سرگرمی و فروش محصولات سرگرم‌کننده دیجیتال وارد شده است.

سال قبل اپل با گوشی موبایل آی‌فون، وارد دنیای پرسود گوشی‌های موبایل شد.

در سال ۱۹۸۶، جایز شرکت انیمیشن پیکسار را از جورج لوکاس به مبلغ ۱۰ میلیون دلار خرید. جورج لوکاس، کارگردان، تهیه‌کننده و فیلم‌نامه‌نویس معروف آمریکایی که او را با جنگ‌های ستاره‌ای و همچنین سری فیلم‌های ایندیانا جونز می‌شناسیم، در آن زمان گرفتار مسائل مالی بعد از جدایی از همسرش بود و همین موضوع باعث شد حاضر شود پیکسار به مبلغی پایین به جایز بفروشد.

در همین شرکت انیمیشن‌سازی بود که انیمیشن‌های معروف داستان اسباب بازی، شرکت هیولاها، پیدا کردن نمو، شگفت‌انگیزها، ماشین‌ها و این اواخر، راتاتوی ساخته شد. در سال ۲۰۰۳ قرار داد پیکسار با والت دیسنی به پایان رسید، مذاکرات جایز با رئیس آن زمان دیسنی به منظور تجدید قرارداد، به جایی نرسید، تا اینکه در اکتبر سال ۲۰۰۵، باب ایگر جای رئیس قبلی دیسنی را گرفت و او سعی کرد که به سرعت روابط دیسنی را با جایز ترمیم کند. سرانجام در ۲۴ ژانویه سال ۲۰۰۶، اعلام شد که دیسنی پیکسار را به صورت فروش سهام و به مبلغ ۷٫۴ میلیارد دلار خریده است، به این ترتیب جایز یک شبه تبدیل به بزرگ‌ترین سهامدار دیسنی شد. او هم‌اکنون ۷ درصد سهام دیسنی را در اختیار دارد، در حالی که آیزنر - رئیس قبلی دیسنی - تنها ۱٫۷ درصد و یکی از اعضای خانواده دیسنی، تنها ۱ درصد سهام را در اختیار دارند.

شیوه مدیریت

فورچون جایز را مدیر خودشیفته‌ای ارزیابی می‌کند. گفته می‌شود که او روحیه تهاجمی‌ای دارد و ناپدیری او در شکل‌گیری این شخصیت او نقش داشته است. در مستند «پیروزی خوره‌ها» افراد مختلفی در واکنش به اخراج جایز به وسیله شولی و اعضای هیئت مدیره اظهار نظرهای جالبی کرده‌اند. «پیروزی خوره‌ها، طلوع امپراطوری‌ها تصادفی» Triumph of the Nerds: The Rise of Accidental Empires، عنوان مستندی است که در سال ۱۹۹۶، به وسیله تلویزیون انگلیس تولید شد و در سه قسمت از شبکه PBS پخش شد. جایز در یک بعد، یک علاقمند مشتاق آی‌تی است و کسی است که دوست دارد با کاریزما و نظم و انضباطش اپل و محصولاتش را در صدر محصولات آی‌تی قرار بدهد. او آرزو دارد که با پیشبینی و تنظیم علایق مشتریان این کار را انجام دهد.

در پایان مک ورلد سال ۲۰۰۷، او سخن قصاری از یکی از بازیکنان مشهور هاگی نقل کرد:

من به سمتی اسکیت می‌کنم که توپ بازی قرار است آنجا باشد، نه جایی که توپ بوده است.

جابز یک جدال لفظی جالب با مایکل دل رئیس شرکت دل Dell دارد. جدال آنها وقتی شروع شد که جایز در اظهار نظری کامپیوترهای دل را «جعبه‌های قهوه‌ای غیرابتنکاری» نامید. در واکنش به این گستاخی، مایکل دل در پاسخ به این سوال که اگر شرکت اپل را داشت چه می‌کرد، گفت که اپل را می‌بست و پولش را به سهامداران برمی‌گرداند!

در سال ۲۰۰۶، وقتی که ارزش اپل از دل پیشی گرفت، استیو جابز، ایمیلی به همه کارکنان اپل فرستاد که در آن قدرت پیشبینی مایکل دل به تمسخر گرفته شده بود.

اما از سوی دیگر بسیاری از کارکنان اپل، جایز را مستبد و دارای کاراکتری ارباب‌گر می‌دانند.

در نیمه سال ۲۰۰۴، جایز اعلام کرد که تومور بدخیم پانکراس (لوزالمعده) دارد. تومورهای پانکراس بسیار بدخیم هستند و می‌توانند ظرف چند ماه بیمار مبتلا را از پای در آورند، اما از بخت خوش جابز او مبتلا به نوع نادری از سرطان پانکراس به نام «تومور سلول جزیره‌ای» بود که رفتار تهاجمی بسیار کمتری دارد. در جولای ۲۰۰۵ جایز تحت عمل جراحی قرار گرفت و به شیمی‌درمانی و رادیوتراپی بعدی هم نیاز پیدا نکرد.

ظاهر لاغر و نحیف او در مک‌ورد سال ۲۰۰۶، شایعاتی را در مورد مشکلات سلامتی او مطرح کرد، ولی دست کم تا این زمان جابز سرپاست و نشانی از بیماری را نمی‌توان در چهره او پیدا کرد.

مرگ

استیو جابز در تاریخ چهارشنبه ۵ اکتبر ۲۰۱۱ در سن ۵۶ سالگی درگذشت. گواهی فوت جابز نشان می‌دهد که او حوالی ساعت ۳ بعد از ظهر در خانه‌اش در پالو آلتو در کالیفرنیا، بر اثر ایست تنفسی ناشی از سرطان لوزالمعده درگذشت. جایز پس از برگزاری یک مراسم تدفین کوچک و خصوصی در تاریخ ۷ اکتبر، در یک قبرستان عمومی به نام «آلتا مسا مموریال پارک» در پالو آلتو به خاک سپرده شد. خانواده جابز پس از مرگ او طی بیانیه‌ای چنین اعلام کرد:

« استیو در آرامش از دنیا رفت... »

مرگ او توسط وب‌گاه اپل در یک اطلاعیه اعلام شد:

ما عمیقاً غمگین هستیم که اعلام کنیم که استیو جابز امروز درگذشت. استعداد، علاقه و انرژی استیو منبع نوآوری‌های بی شماری بود که زندگی همه ما را بهبود و غنا بخشید. جهان به خاطر وجود استیو به مراتب بهتر شد. بزرگترین عشق وی، همسرش لورن و خانواده‌اش بودند... پس از مرگ جابز، صفحه اول وب‌گاه اپل به عکسی سیاه و سفید از وی اختصاص یافت و آدرس ایمیلی نمایش داده شده بود که عموم مردم بتوانند خاطرات و پیام‌های تسلیتشان را به اشتراک بگذارند.

جایز در سال ۱۹۸۵، نشان ملی فناوری را از رونالد ریگان - رئیس جمهور وقت - دریافت کرد و در سال ۱۹۸۷ نشان ملی خدمات عمومی جفرسون را دریافت گرفت.

فرماندار ایالت کالیفرنیا - آرنولد شواتزنگر - در ۵ دسامبر سال ۲۰۰۷، نام استیو جابز را در تالار افتخارات کالیفرنیا در موزه تاریخ و هنر کالیفرنیا قرار کرد.

سال ۲۰۰۷، مجله فورچون او را به عنوان قدرتمندترین بازرگان سال انتخاب کرد.

منبع: ویکی پدیا ، all about steve و گاردین
گردآوری: گروه اینترنتی مجموعه زندگی





به وبسایت ما هم سر بزنید

گروه اینترنتی مجموعه زندگی

LCBlog.in